

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه نعل (جله ششم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۱۴۲۸/۰۴/۰۶

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ (۱)

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۲)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۳)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ (۴)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْآخِسُونَ (۵)

وَإِنكَ لَتَلَقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (۶)

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنستُ نَاراً سَأَتِيكُمْ مِنْهَا بَخْبِرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (۷)

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۸)

يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۹)

وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رآها تَهْتَزُّ كَأَنَّها جَانٌّ وَكى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ (۱۰)

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي عَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۱)

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۱۲)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (۱۳)

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴)

برای سلامتی خودتان صلوات ختم بفرمایید.

برای اینکه ان شاء الله امشب که شب شهادت امام صادق (علیه السلام) است، خداوند در وجود ما صدق را جاری کنند و ما را در پیوندی عمیق با اهل بیت (علیهم السلام) بالاخص حضرت بقیه الله قرار دهد، صلواتی ختم فرمایید.

جلسه امشب را می‌توانیم به عنوان جلسه روضه یا ذکر مصیبت اهل بیت (علیهم السلام) حساب کنیم و ان شاء الله ملائکه الهی هم این جلسه را به این عنوان منظور کنند و برای این که ان شاء الله به واسطه امشب و فردا که ایام مصیبت اهل بیت (علیهم السلام) است، قلب ما نورانی بشود و بتوانیم رهروان صادقی برای اهل بیت (علیهم السلام) شویم، صلوات ختم بفرمایید.

ما در مورد سوره نمل نکاتی عرض کردیم که خلاصه آن این است که انسان‌هایی که در یک دوره‌ای از زندگی خود دچار ظلم می‌شوند و تصمیم دارند که این ظلم را از خود برطرف کنند. راه حل این است که «حُسن» انجام دهند تا خداوند ظلم آنها را برطرف کند و سوءای که به واسطه‌ی ظلم اتفاق افتاده را از آنها برطرف سازد. هر ظلمی یک سوءای دارد. اگر انسان کسی را اذیت کند یک سوء دارد، حق کسی را ادا نکند یک سوء دارد که حتما در دنیا به او اصابت می‌کند. این طور نیست که در آخرت باشد بلکه در دنیا نیز دچار بدحالی می‌شود روزی او تنگ می‌شود و...

گفتیم برای اینکه انسان بتواند این ظلم‌ها را برطرف کند چاره‌ای ندارد مگر اینکه کار حُسن انجام بدهد. جلسه گذشته یکسری روایت در مورد حُسن گفتیم. به ذهنم رسید که از موضوع عبور نکنیم و قدری محورهایی که در این زمینه هست را مطرح کنیم. دلیل آن هم این است که ما خواسته یا ناخواسته در ایام گذشته اشتباه‌هایی داشتیم و در اثر آن اشتباهات بدحالی‌هایی دچار ما شده و آن بدحالی‌ها منشاء بد اخلاقی‌ها و بد رفتاری‌های ماست.

اثرات آنها در زندگی ما به صورت بد رفتاری و بد اخلاقی جاری می‌شود. ما باید به وسیله‌ی حسن، ظلم‌ها را برطرف کنیم. ممکن است انسان بگوید «من نمی‌دانم چه ظلم‌هایی کردم» بسیاری از آنها را نمی‌دانیم اما خیلی‌های دیگر را می‌دانیم. آنهایی که می‌دانیم را دیگر نباید انجام بدهیم. پیشنهاد جزئی ما این است که کتاب «مهارت‌های حسن‌گزینی» را انتخاب کنیم. بعضی‌ها می‌گویند که ای کاش اینجا نمی‌نوشتید «خلق زیباترین رخدادهای نوجوانی!» جواب این است که منظورمان جوانی است. «نو» یعنی تازه جوان. انسان وقتی می‌خواهد جدید و شباب شود از «نو، جوان» می‌شود. من عنوان‌ها را خدمتتان به عنوان اینکه ببینید چگونه می‌شود انسان حسن را انجام بدهد، می‌خوانم. با خواندن این کتاب گذشته را مرور کرده و اشکالاتی که از دوران طفولیت داشته‌ایم را یکی یکی متوجه می‌شویم. حتی آن مواردی هم که در ذهن متبادر نمی‌شود به وسیله این کتاب گفته شده است. دلیل آن نیز همین است که اغلب مطالب روایت است.

سوال: منظور از کار نیکو چیست؟ چون ما خیلی کار خوب انجام می‌دهیم.. منظور چیست؟

- کار نیکو یا حسن کردن به این معناست که در آن «علم و عمل» همراه است. نوعاً علم افراد بیشتر از عمل آنها است. فرد می‌داند فلان کار را نباید انجام دهد اما انجام می‌دهند. هر انسانی درصد دارد. بعضی ۹۰٪ اینگونه هستند و بعضی ۱۰٪ اینطور هستند. هرچه در فردی علم از عمل بیشتر فاصله داشته باشد، به سوء نزدیکتر و از حسن دورتر است این یک قاعده است.

سوال: حال چگونه بفهمیم علم و عمل مان هماهنگ است یا نه؟

- یک سری تمرین در کتاب است. با حل تمرین هرکسی می‌تواند درصد به خودش بدهد. اگر علم و عمل کسی بر هم منطبق باشد به او «صادق» می‌گویند. انسان‌های صادق انسان‌هایی والا هستند. یک سری مهارت هم در کتاب ذکر شده با به دست آوردن مهارت توان عمل به تناسب آن علم افزایش می‌یابد. اگر کسی به من همچین کتابی معرفی کند تا تمرینات کتاب را انجام ندهم، نمی‌خواهم! چون برایم مهم است که کسی توانسته یک متری بدهد که من فاصله علم و عمل را محاسبه کنم. البته این از سلسله روایات به دست آمده است.

سوال: اگر ما الان فهمیدیم چند درصد علم و عمل مان فاصله دارد، باید چه کنیم؟

- باید بیایید سراغ مهارت دوم.

مهارت دوم این است که شما می‌خواهید فاصله را کم کنید. مهم‌ترین کار در کم کردن فاصله علم و عمل استفاده از «وقت» است. کسانی که بین علم و عمل فاصله دارند، عمدتاً مشکل آنها در عدم اهتمام به مبحث «وقت و اجل» است. بخشی از فاصله‌ها به خاطر سستی و تبلی است. «اجل»، ضد سستی و تبلی است.

مهارت سوم ارتقا علم نسبت به عمل مشخص است یک موقع شما علم کلی را بالا می‌برید و یک موقع علم جزئی را بالا می‌برید. علم جزئی بالا بردن خیلی مهم است و فاصله‌ها را کم می‌کند. علم‌تان را درباره همان عملی که سستی دارید بالا ببرید. یکسری تمرین هم در کتاب داده شده است.

سوال: مثلاً در مورد غیبت اگر بخواهیم عمل خود را جزئی کنیم باید چه کنیم؟

- شما ابتدا عمل مشخصی را تعیین می‌کنید و می‌گویید مثلاً می‌خواهم غیبت کردن را ترک کنم. غیبت کردن چه کسی را می‌خواهی ترک کنی؟ شما که از همه غیبت نمی‌کنید، می‌کنید؟ شما ممکن است ندانید از همه غیبت می‌کنید و یا از بعضی‌ها غیبت می‌کنید.. به این «علم» می‌گویند. حالا چرا از او غیبت می‌کنید؟! چون آدم بدی است. علم خود را بالا می‌برید و می‌گویید که حالا اگر از او غیبت کنم مشکلی از من حل می‌شود؟! تا حالا کسی غیبت کرده و مشکلی از او حل شده است و یا مشکلات بیشتر می‌شود؟! اصلاً آیا من دارم غیبت می‌کنم یا تهمت می‌زنم؟! خیلی وقت‌ها ما فکر می‌کنیم که غیبت می‌کنیم در حالیکه تهمت می‌زنیم. شاید متوجه نمی‌شویم اسم کاری که انجام می‌دهیم، غیبت نیست. چرا کاری که اسم آن غیبت نیست را غیبت بگذارم؟! چرا وقتی اسم کاری تهمت است غیبت بگذارم!؟

باید نسبت به عمل شناخت پیدا کنیم. انسان در بین ابهامات خود را گم و توجیه می‌کند اما وقتی حوزه یک عمل مشخص باشد، دیگر جلوی توجیهاات خود را می‌گیرد. دیگر نمی‌تواند آن کار را انجام دهد. دلیل کم کردن فاصله علم و عمل این است که انسان‌ها به اغلب چیزهایی که باید انجام دهند واقف هستند و فقط به خاطر سستی انجام نمی‌دهند. پس مرحله اول «فاصله‌یابی» و مرحله دوم «تبدیل خیر به حسن» است. یعنی آدم باید بلد باشد که کار خوب انجام دهد. مثلاً اگر ما فامیل خیلی بدی داریم مرجع می‌گویید قطع رحم نباید کرد اما اگر با آنها رفت و آمد داشته باشیم ضرر می‌کنیم. راه‌های زیادی دیگر وجود دارد که باید در پی آن باشیم.

انسان در مواجهه با مشکلات و مسائل زندگی قادر است آن مسئله را تجزیه و تحلیل کند و بر اثر تجزیه و تحلیل می‌تواند راه‌های متعددی برای حل مساله بیابد و از بین آن راه‌ها بهترین آن را بر اساس معیارهای الهی انتخاب کند. بعد از آنکه آن راه را انتخاب کرد دچار هوای نفس، سستی و کندی نشود و در زمان مقتضی به آن عمل کند، به

این «خیر» می‌گویند. حال برای اینکه این بنده خدا بتواند حسن انجام دهد باید اول خیر را تشخیص بدهد و تبدیل به حسن کند. یعنی مرحله حسن کاری اضافه‌تر از مرحله خیر است که باید راه‌های مختلف را کشف کند در مواجهه با مسائل آخرین راه را انتخاب نکند. می‌گوییم: چرا با بچه دعوا کردی؟! می‌گوید: «بی ادبی کرد!» آیا اگر بچه بی ادبی کرد باید داد بزنید؟! می‌گوید: «راه دیگری بلد نیستم!». در حالی که راه‌های مختلفی وجود دارد. اصلاً شاید او را کمتر به پارک می‌برد و اینطوری شده است. آگه پسر است به خاطر این که با او گشتی نگرفتم اینطوری شده است و یا اگر دختر است به خاطر این که او را نوازش نکردم، اینطوری شده است.

شاید به خاطر اینکه جر و بحث ما زیاد شده است. پس جلوی اینها را می‌گیریم و می‌بینیم که حال این بنده خدا هم خوب می‌شود.

«خیر» یعنی این که فرد بتواند ده راه برای مواجهه با مسائل پیدا کند و از بین این راه‌ها بهترین را انتخاب کند و بعد که انتخاب کرد، تردید را کنار بگذارد و دچار وسوسه نشود حالا باید بتواند خیر را به حسن تبدیل کند.

خلاصه مطلب اینکه وقتی روح انسان به سوء و بدی آلوده شود آیا باید تا آخر عمر این سوء را تحمل کنند؟ خیر، باید کار حسن کند. انجام دادن حسن مراحل دارد. مرحله‌ی اول این است که آنچه می‌داند را عمل کنند. مرحله دوم اینکه در مواجهه با مسائل خیرگزین باشد و علاوه بر خیرگزین بودن خیر را تبدیل به حسن کند. برای این موضوع چند راه پیشنهاد کردیم:

۱. جداسازی خیر از شر

۲. بالابردن واکنش نسبت به خیرات

۳. بالا بردن حساسیت نسبت به شرور

۴. تشخیص و تمایز خیر از حسن

۵. تمایز انواع حسن

۶. انجام حسن

سوال: لطفاً درباره‌ی اجل و رابطه‌ی آن با فاصله انداختن علم و عمل بیشتر توضیح دهید.

- انسان‌ها به خاطر این که مرگ را باور ندارند، خیلی از کارها را به بعد می‌اندازند. مرگ یعنی هر لحظه‌ای که می‌گذرد و دیگر بر نمی‌گردد. مرگ یعنی تا فلان موقع علم را فرا نگیرید، دیگر یاد نخواهید گرفت.. تمام شد و

رفت! کاری به جبران کردن نداریم چون وقتی جبران می کنید در واقع کار دیگری بوده که باید انجام می دادید. هر کاری زمانی دارد که اگر آن کار را در زمان خودش انجام ندادیم، مرده است. ما اخیراً لحظه به لحظه محاسبه می کنیم. جواب دادن پیامک های شش ماهه ی من معادل نوشتن یک کتاب است. ما حساب کتاب اوقات خود را نداریم. هر انسان مومنی در هفته ۱۱۰ ساعت کار مفید معین باید داشته باشد. از این ۱۱۰ ساعت ۳۰ ساعت باید کار علمی باشد. در مدرسه قرآن بیشتر افراد از یک سوم وقت خود استفاده می کنند درحالی که می توانند سه برابر دیگر کار انجام دهند. این موارد به خاطر عدم برنامه ریزی است. درک از سرعت می آورد وقتی شما درک عجله نداشته باشید اینطور می شود که رفت که رفت..! یک کتاب می خوانید و به جای دو ساعت، پنج ساعت طول می کشد! ممکن است بگویید این طوری که آدم همیشه در هول و ولا است! بله.. اگر شما می خواهید در دنیا در آرامش باشید اشتباه گرفتید! زیرا دنیا محل آرامش نیست.

خداوند در سوره یونس می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ»^۱ به حیات دنیا راضی می شوند و اطمینان دارند که شب می خوانند و صبح حتما بیدار می شوند/ اطمینان دارد با شکستن دل یک نفر دو ساعت دیگر زنده است که از دل او در بیاورد. تو به چه حقی این کار را می کنی؟!

آخرین موضوع مبحث غفلت از آیات الهی است. هر کس این چهار خصوصیت را داشته باشد، همین جا در «نار» است. من اعتقاد این است که هر کسی میزان علم و عمل خود را یکی کند به طوری که فرصت های خود را مغنم بشمارد و جای خالی نداشته باشد، بد رفتاری ها و صفات منفی که بر او تحمیل شده تا حدود زیادی اصلاح می شود.

سوال: خیلی وقت ها با وجود اولویت بندی در کارها برای بعضی از کارها همیشه وقت داریم اما برای بعضی از کارها فرصتی پیدا نمی کنیم. نمی دانم این صفتی است یا شخصیتی؟

- آن کارها را باید اگر از نظر شرعی واجب نیست، عوض کنید. این کار در استعداد شما نیست. کارهایی که انسان میل دارد و رغبت او هر چقدر هم سعی می کند، نسبت به آن فعال نمی شود. (البته اگر اگر واجب الهی نیست) واجب الهی در احکام رساله نوشته شده است. اگر کسی در زمینه ای استعداد نداشت، می تواند برود در زمینه ای که استعداد دارد سرمایه گذاری کند. استعداد را می شود شناخت. کارهایی که با سرعت انجام می دهید استعداد شما در آن است پس در همان رشد خواهید کرد. برای محیط آن کارهایی را که در استعدادتان هست تعریف کنید و محیط را مجاب کنید که آن کارها را هم ارج بنهند. به این حسن گزینی می گویند.

^۱. سوره مبارکه یونس، آیه ۷

مساله این است که اگر یک نفر با تدبر تفکر و کلمه نتوانست ارتباطی برقرار کنند و در استعدادش نبود چه کند؟ ما به او می‌گوییم آیا قرآن می‌خوانید، می‌فهمید؟ می‌گویید بله. دوست دارید بخوانید و بفهمید؟ می‌گویید بله. آقا برو بخوان و بفهم! ختم مفهومی‌ها برای این به وجود آمد که یک سری‌ها نمی‌توانستند قرآن بخوانند. انسان باید غالب بر محیط باشد نه مغلوب. مادری که فرزندش تازه به دنیا آمده تا شش ماه تقریباً هفته‌ای ۵ ساعت وقت دارد. در شش ماه دوم ۱۰ ساعت. مثل این است که این‌ها یک مدتی به مرخصی می‌روند و در این مدت با بچه و ملکوت ارتباط برقرار می‌کنند. بچه ملکوت آسمان‌ها و زمین است. مثل این است که قطعه‌ای از عرش را در دستان شما انداخته‌اند. بهترین حالت زندگی شما موقعی است که در دوره ۶ ماهگی اول شیرخوارگی هستید. دیگر می‌خواهید دنبال چه برنامه‌ای باشید؟! در آن زمان اگر سیم مادر به بچه که عرش است، وصل باشد آن ۵ ساعت نمی‌دانم معادل چندین هزار ساعت است. ای کاش ما مادر بودیم. ای کاش من پنج ساعت از آن وقت‌ها را داشتم! مدام دنبال راهی هستم که آن ۵ ساعت را به دست بیاوریم.. البته آخر هم به دست می‌آوریم چون می‌دانم در عالم همه چیز راه دارد. این برای من مهم است که کدام کار است که مرا به آن منطقه شیردهی یک مادری که در شش ماه است برساند. که آن ۵ ساعت معادل چندین هزار ساعت است. محدودیت‌هایی که به صورت تکوینی مثل تولد نوزاد به انسان عطاء می‌شود به نوعی از جانب خدا عطا می‌شود. چند ساعت این موارد خیلی بیشتر ارزش دارد. ما حاضریم مبادله کنیم! پایه حسن، خیر است. تعریف حسن روی خیر سوار می‌شود و حسن، خیری است که زینده و با شکوه باشد. خیر جنبه بیرونی هم دارد یعنی شما می‌توانید به یک شی بگویید خیر. اما به یک شی تنها نمی‌توانید حسن بگویید. بالا بردن واکنش نسبت به خیر یعنی مثلاً همین که فرد بداند وقتی وارد مدرسه می‌شود فقط این نیست که بیاید درس گوش بدهد. می‌تواند کفش جفت کند، می‌تواند چایی درست کنند و غیره.. نباید ذهن انسان قالب بگیرد. خانه کثیف است چه می‌شود آقا جارو کند؟ بعضی از آقایان حتماً باید به آنها گفت اینجا را جارو کن. این خوب نیست باید جوری باشد که آقا این کار را بکند که خانم نکند! و سبقت بگیرند از هم. واکنش به خیر نشان دهند. واکنش نسبت به خیرات خیلی حسن می‌آورد. اینکه سریع یک نفر یک کاری را انجام می‌دهند جلوه زیبایی ایجاد می‌کند. از طرفی بالا بردن حساسیت نسبت به شرور مطرح است. بعضی چیزها واقعاً بد است. اگر صدای تلویزیون طرف مقابلت را ناراحت می‌کند آن را کم یا خاموش کن. چه اشکالی دارد؟! برو و کار دیگری انجام بده. ما باید ابتدا تشخیص بدهیم مثلاً آگه در خانه آشغال هست این بد است و یکی باید آشغال‌ها را بیرون خانه برد! باید نسبت به شرور واکنش نشان بدهیم و این واکنش باید مداوم باشد. باید بلافاصله محل‌های شرور را تشخیص دهیم و

واکنش نشان دهیم. مثلاً در مهمانی نباید در یک محلی مثلاً مقابل آشپزخانه بنشینیم. حالا یکی می گوید من اصلاً حواسم نیست.. باید حواست باشد! واکنش نسبت به شرور خیلی حسن ایجاد می کند.

تمایز حسن از خیر: حسن کمال خیر است. نفوذ کار خیر در دیگران و زیبایی ایجاد کردن با حسن اتفاق می افتد. مثلاً رنگ کردن خانه به انسان آرامش می دهد. هر چه شما بتوانید کاری را با حسن بیشتری انجام دهید، تاثیر آن بر دیگران بیشتر می شود. برای خواندن مثال های هر قسمت به کتاب مراجعه کنید.

سوال: واکنش به خیرات انسان را از کندی نیز درمی آورد؟ - بله

فصل سوم و چهارم و پنجم کتاب را خودتان بخوانید. خواهش می کنم هر کسی یک دور این کتاب را بخواند و تمرین های آن را با تأمل حل کند.

سعی کنید این کتاب را مثل کتابی که در سیر و سلوک معنوی اثر دارد در نظر بگیرید. پیشنهاد عملی من این است که هر کسی اوقات خود را ثبت کند. کارهایی که به وسیله آن اوقات انجام می دهد یادداشت کند. کارهایی که نتیجه ندارد و یا در آن استعداد ندارد حذف کند. البته همه این ها در تمرین های کتاب هست.

تکته: در زندگی تعارف نداشته باشید. اگر پول ندارید خجالت نکشید که بگویید. خودتان و خانواده تان استقلال داشته باشید و فرهنگ خود را به اطرافیان ابلاغ کنید که بقیه با این فرهنگ هماهنگ شود. چه معنی دارد که مهمانی ۱۰ ساعت طول بکشد! بگویید ما اینطوری نمی توانیم مهمانی بیایم. اشکالی ندارد که ناراحت بشوند..

«اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم»

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات